

نشریه ادبیات تطبیقی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۱۰، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۳۹۷

## کاربرد دینی، ادبی و هنری حروف مقطعه قرآنی در ادب پارسی

(علمی - پژوهشی)

غلامرضا حیدری<sup>۱</sup>

### چکیده

به مجموعه حروف الفبایی که یک یا چند حرف از آنها، به شکل و ترکیب (الر، الم، المر، المص، حم، حمعسق، ص، طس، طسم، طه، ق، کهیصص، ن، یس) در ابتدای ۲۹ سوره از سور قرآن قرار دارند، حروف مقطعه می‌گویند. با وجود اسرارآمیز بودن این حروف، مفسران و قرآن‌پژوهان به تشریح و تفسیر این حروف پرداخته‌اند و در این زمینه، نظرها و اقوال متنوعی دارند. شعرا و نویسندگان در ادب پارسی، با عنایت به شکل، حالت و ویژگی حروف مقطعه قرآنی و با تکیه بر ارزش‌های دینی، اعتقادی، تعلیمی، بیانی و بلاغی این حروف، ضمن بیان فضایل، مفاهیم، محتوا، آموزه‌ها و حکایات سور مربوط به آن، با جلوه‌های هنری و ادبی اقتباس، درج، تلمیح و... دست به مضمون‌آفرینی‌های بکری زده‌اند و با خلق ترکیبات، تعابیر و تصاویر نغز، از علائم ظاهری حروف، به نحو مطلوب، بهره برده‌اند و وقتی این تصاویر، مضامین، تعابیر و ترکیبات بر ساخته از حروف مقطعه قرآنی و حروف الفبای پارسی را با چاشنی ایهام، جناس و دیگر آرایه‌های ظریف ادبی درآمیخته‌اند، ملاحظت آن را بیشتر نموده‌اند. در این مقاله، سعی کرده‌ایم ضمن گذری کوتاه به دیدگاه‌های مفسران، قرآن‌پژوهان و محققان دینی، نسبت به حروف مقطعه قرآنی، با ارائه شواهد شعری و نثری از ساختارها و کاربردهای مشترک و مختلط هنری، ادبی و دینی هر دو مقوله حروف در ادب پارسی، جایگاه این حروف را در خلق تعابیر و مضامین ادب پارسی، بیشتر بنمایانیم.

**واژه‌های کلیدی: حروف مقطعه، حروف الفبا، ادبیات پارسی، تفاسیر.**

<sup>۱</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، ابهر، ایران:

phlitgholamrezaheidary@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۲۶

### ۱- مقدمه

در ادب پارسی، در بیشتر موارد، پرداختن و توجه به باورها، اعتقادات مذهبی و اجتماعی، از ارکان اصلی شعرا و نویسندگان، در خلق مضامین و مفاهیم نغز آثار ادبی است. یکی از این خمیرمایه‌های بنیادین دینی، اعتقادی و اجتماعی در ادب پارسی، حروف مقطعه و جایگاه منبع آن است.

حروف نمادین و رمزآلود مقطعه، که بخشی از سخنان خداوند سخن‌آفرین را در قرآن کریم دربردارد و هر شنونده و خواننده‌ای را مسحور عظمت، اعجاز و متانت خود می‌کند، چنان بر خوانندگان و شنوندگانش تأثیر گذاشته که از دیرباز تاکنون، کمتر شاعر و نویسنده‌ای را در پهنه ادب پارسی می‌توان یافت که با استمداد از جایگاه معنوی و لفظی این حروف و آیات، به مضمون‌پردازی نپرداخته باشد.

هرچند پهنه ادب پارسی، خود، جولانگاه اندیشه‌های اعتقادی، دینی، مذهبی و عرفانی شاعران و نویسندگان بزرگی است، هرگاه جلوه‌های هنری، ادبی و شاعرانه حروف الفبا و بویژه، حروف رمزآلود و مقدس مقطعه قرآنی، با این تفکرات و اندیشه‌ها درمی‌آمیزد، ساختار و ترکیبات برساخته دستوری، ادبی، هنری و بلاغی کاملاً دینی، مذهبی و اعتقادی ارائه می‌دهد که به غنای ادب تعلیمی و دینی پارسی، کمک شایانی می‌نماید.

شاعران و نویسندگان، از یک طرف، با عنایت به شکل، حالت و ویژگی حروف الفبای پارسی و از طرف دیگر، با تکیه بر ارزش‌های دینی، مذهبی، فضایل، مفاهیم، محتوا، آموزه‌ها و حکایات این حروف و سور مربوط به آن، با شگردهای هنری و ادبی جناس، ایهام، اقتباس، درج، تلمیح و دیگر آرایه‌های ظریف ادبی، در القا و بیان این ارزش‌ها کوشیده‌اند و با خلق ترکیبات، عبارات، تعابیر و تصاویر نغز ادبی، دینی و اجتماعی، از این علائم ظاهری حروف، به نحو مطلوب بهره‌برده‌اند.

بازتاب گوناگون و فراوان حروف مقطعه، به همراه نظرها و اعتقادات متعدد دینی و مذهبی مربوط به آن، در ادب پارسی، علاوه بر اینکه فضایی هنری و ادبی، از بازی با حروف

و حروف گزایی را ایجاد می‌کند و تصاویر و مضامین بکر و نغزی را می‌آفریند، ارزش و اعتبار و جایگاه ادبی - دینی این حروف را بیشتر می‌نمایاند.

با توجه به اهمیت و جایگاه این حروف در تبیین تعالیم دینی، مذهبی و اعتقادی و بازتاب و نقش وسیع آن در این امر مهم، با نگاهی گذرا و کوتاه به اعتقادات و دیدگاه‌های مفسران، قرآن پژوهان و محققان دینی و مذهبی نسبت به حروف مقطعه قرآنی و ارائه شواهد شعری و نثری از ساختارها و کاربردهای مشترک و مختلط هنری، ادبی و دینی هر دو مقوله حروف، چه حروف مقطعه قرآنی و چه الفبای پارسی، جایگاه این حروف را در خلق تعبیر و مضامین ادب پارسی، بیشتر می‌نمایانیم.

#### ۱-۱- پیشینه تحقیق

در خصوص حروف مقطعه و جایگاه دینی، مذهبی و اعتقادی آن در قرآن کریم، در تفاسیر، کتب و مقالات تحلیلی و پژوهشی دینی، مطالب فراوانی بیان شده است و هریک به نوبه خود، به گونه‌ای، سعی در رازگشایی این حروف رمزآلود قرآنی داشته‌اند؛ برخی در ارائه نکاتی تازه و نغز، موفق بوده‌اند و مطالب برخی هم، تکراری و برگرفته از دریافت‌ها و آموزه‌های دیگران بوده است. برخی نیز با تلاش‌های فراوان، راه به جایی نبرده‌اند و در عالم حدسیات و گمان، سخنان رازآلود و دور از ذهنی را ارائه داده‌اند. از این میان، می‌توان به تفسیر «المیزان فی تفسیر القرآن»، اثر محمد حسن طباطبایی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، «تفسیر نمونه»، اثر ناصر مکارم شیرازی و همکاران، انتشارات دارالکتب اسلامی، «تفسیر نور»، اثر محسن قرائتی، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، کتاب «الجامع الاحکام القرآن»، اثر محمد بن احمد قرطبی، انتشارات ناصر خسرو، تفسیر «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، اثر فضل بن حسن طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، کتاب «الاتقان فی علوم القرآن»، اثر جلال‌الدین سیوطی، انتشارات امیرکبیر، مقاله «حوزه معنایی حروف مقطعه در قرآن کریم»، به قلم سید مهدی لطفی (۱۳۹۱)، در شماره اول فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث و چندین کتاب و مقاله پژوهشی دیگر اشاره کرد که بیشتر، جنبه دینی و مذهبی دارند.

باتوجه به اینکه، در ادبیات پارسی نیز این حروف، به واسطه جایگاه ادبی و دینی، بازتاب بسیار وسیعی دارد و کمتر شاعری را سراغ داریم که در این زمینه به مضمون آفرینی دینی، ادبی، هنری و حتی ارائه ظاهری آن حروف، در مقام فضل و مباحثات، نپرداخته باشد، محققان ادبی به صورت جسته و گریخته، پراکنده و مختصر در خلال تحشیه ها و تعلیقات و شرح های ادبی بر آثار بزرگان ادب پارسی، به تبیین و تشریح جایگاه دینی و ادبی حروف پرداخته اند؛ اما به صورت مطلبی منسجم و کلی، در این خصوص تحقیق و پژوهشی انجام نگرفته است. این مقاله، با نگرشی کلی بر غالب آثار ادبی و بیان ارزش دینی و مذهبی حروف مقطعه و هنر آمیختگی و ترکیب و تناسب آن با حروف الفبا و بازتاب آن در ادبیات پارسی، به همراه ارائه شواهد شعری و نثری متعدد، در نوع خود، یکی از تحقیقات و مقالات تازه و بکر است که سابقه ای در ادبیات پارسی، بر آن نمی توان یافت.

## ۲- جایگاه و کاربرد دینی، ادبی و هنری حروف مقطعه قرآنی

به مجموعه حروف الفبایی که یک یا چند حرف از آنها، در ابتدای ۲۹ سوره از سور قرآن (۲۶ سوره مکی، ۳ سوره مدنی) قرار دارد، در اصطلاح مفسران، حروف مقطعه، حروف فواتح سور، حروف نورانی، مقطعات، اوایل سور، حروف رازآمیز، حروف تهجی و حروف افتتاحیه می گویند. این حروف که مجموعاً ۷۸ حرف است و با حذف مکررات، ۱۴ حرف (آ، ح، ر، س، ص، ط، ع، ق، ک، ل، م، ن، ی، ه)، یعنی نصف حروف هجاست در کتابت، سرهم نوشته می شوند؛ ولی در قرائت، جدا از هم خوانده می شوند. این حروف مقطعه (الر، الم، المر، المص، حم، حمعسق، ص، طس، طسم، طه، ق، کهیعص، ن، یس) که در پاره ای از سور، آیه مستقل به شمار آمده و در برخی سور هم، آیه مستقل محسوب نشده اند، در ابتدای سور، به صورت یک حرفی، دو حرفی، سه حرفی، چهار حرفی یا پنج حرفی هستند.

برخی، با ذوق هنری خود، از ترکیب این حروف، جملات و عباراتی همچون «نص حکیم قاطع له سر» یا «صراط علی حق نمسکه» یا «علی صراط حق نمسکه» یا «علی حق، نمسک صراطه» یا «صریح طریقتک مع السنه» را ساخته اند.

سوری که در ابتدای آنها، حروف مقطعه قرار دارد، عبارت اند از: الر: در سور یونس (۱۰)، هود (۱۱)، یوسف (۱۲)، ابراهیم (۱۴)، حجر (۱۵). الم: در سور بقره (۲)، آل عمران (۳)،

عنکبوت (۲۹)، روم (۳۰)، لقمان (۳۱)، سجده (۳۲). المر: در سوره رعد (۱۳). المص: در سوره اعراف (۷). حم: در سوره ذُحان (۴۴)، جاثیه (۴۵)، احقاف (۴۶)، غافر یا مؤمن (۴۰)، فصلت (۴۱)، زخرف (۴۳). جمعتق: در سوره شوری (۴۲). ص: در سوره ص (۳۸). طس: در سوره نمل (۲۷). طسم: در سوره شعراء (۲۶)، قصص (۲۸). طه: در سوره طه (۲۰). ق: در سوره ق (۵۰). کهیعص: در سوره مریم (۱۹). ن: در سوره ن یا قلم (۶۸). یس: در سوره یس (۳۶).

وجه اشتراک این سور، شباهتی است که به یکدیگر دارند و این شباهت، مخصوص این چند سوره است و در دیگر سور، دیده نمی‌شود. هریک از این سور، با توصیف قرآن، شروع می‌شوند و از نظر طول، به همدیگر نزدیک‌اند.

هرچند حروف مقطعه، همیشه جزء کلمات و حروف اسرارآمیز محسوب شده و دانشمندان اسلامی و مفسران، برای آن، نظرها و تفاسیر متعدّد و گوناگونی ذکر کرده‌اند، هیچ کدام از آنها، نتوانسته‌اند منظور خاص و اصل موضوع را بدانند و برای عموم بازگو کنند. نظر اکثر مفسرین، این است که قرآن به این حروف، اشاره صریحی نداشته‌است و در قرآن یا احادیث نبوی، غیر از آنچه یاد شد، هیچ نشانه یا حدسی که بتواند بحث پیرامون حروف مقطعه اوایل سور، هدفی را مشخص کند، وجود ندارد. با وجود اسرارآمیز بودن این حروف و پیچیده بودن موضوع، مفسران و قرآن‌پژوهان، به تشریح، تفسیر و تبیین این حروف پرداخته‌اند و در این زمینه، نظرها و اقوال متنوع و مختلفی دارند. بعضی از اقوال و نظرها، تفسیر به رأی، استنباط، اجتهاد، تخمین، حدس و برداشت ذوقی است و برخی، مستندش اخباری است که سندش ضعیف و یا اعتبارش ثابت نیست و پاره‌ای از آنها، مستندش اخباری است که با قواعد مسلمّه که در دست است، سازش ندارد. به طور کلی، مجموع اقوال و نظرای مفسران، قرآن‌پژوهان و محققان دینی متقدّم و متأخّر، بدون ذکر تأویلات، نکات عرفانی، حواشی و مکررات مربوط به آن، از این قرار است:

حروف مقطعه، از نوع تشابهات قرآنی است که علم آن، مخصوص به خداوند است. // حروف مقطعه، حروف سوگند هستند و خداوند به این حروف، سوگند یاد کرده است؛ این

امر، نشان از عظمت و برتری این حروف و نیز موضوعاتی که سوگند بر آنها خورده شده، دارد. // حروف مقطعه، نشانه‌های اختصاری از رمزها و سرآغاز نام‌ها و صفات و اغلب، نام‌ها و صفات الهی هستند؛ مثلاً الف از الله، لام از لطیف و میم از مجید است. // حروف مقطعه، علامت اختصاری یک جمله کامل هستند؛ بنابراین، الم به معنای اناالله اعلم، المص به معنای اناالله اعلم و افضل و المر به معنای اناالله اعلم و اری است. // این حروف، در واقع، رمز و رازی است میان خدا و پیامبر و خدا نخواسته است کسی جز پیامبر، از آنها آگاه گردد. // حروف مذکور، برای آگاه نمودن پیامبر از نزول وحی و تمایز آن از سخنان بشری نازل شده است. // این حروف، پاره‌ای از وحی‌اند؛ ولی جز اشارات رمزآمیز به کتاب آسمانی، هیچ معنای خاصی ندارند. // در این حروف مقطعه، اسم اعظم خداوند، پنهان است و کیفیت و ترکیب اسم اعظم از آن، بر آدمیان مجهول است. // از بعضی از حروف متفرقه آن، اسامی الهی به دست می‌آید؛ مثلاً از ال، حم، ن، کلمه الرحمن استخراج می‌گردد. // حروف مقطعه، اسامی قرآن است. // حروفی از حروف هجا هستند که برای ترکیبات موضوع‌اند. // حروفی هستند که هر یک از آنها، به معنایی اشاره دارد. // اسرار قرآن هستند، چنانچه برای هر کتابی سرّی است. // حروف مقطعه، نام فرشته‌ای از فرشتگان الهی است. // حروف مقطعه، نام پیامبری از پیامبران الهی است. // این حروف، در اوایل سوره آورده شده تا ابتدای سوره و انتهای سوره سابق را تعیین نمایند. // این حروف، از مختصات قرآن است و در سایر کتب آسمانی، مانند تورات و انجیل، سابقه ندارد. // همه یا حداقل قسمتی از این حروف مقطعه، همانند یک کلمه، دارای معانی و مفاهیم خاصی است. مثل طه به معنی یا رجل (ای مرد) است که در برخی از اشعار عرب، به آن برخورد می‌کنیم و مفهومی شبیه یا رجل و یا نزدیک به آن دارد. // حروف مقطعه، اسامی سوری هستند که به صورت اختصاری، در آغاز آنها قرار گرفته‌اند. // این حروف، بر پایه حساب جُمَّل، در بردارنده معانی خاصی از جمله، مدت زندگی اقوام و پیش‌بینی سال بعضی حوادث مهم است. // میان حروف مقطعه و محتوا و مضامین این سوره، ارتباط خاصی وجود دارد؛ مثلاً: در سوری که حم در ابتدای آن آمده است، بحث حیات و موت در میان است یا طسم، رمز طیر و طیور و سلیمان و سبا و موسی

است. // سوری که با یک نوع حروف مقطعه آغاز می‌شوند، مطالب مشترکی دارند. // حروف مقطعه، رمزی برای اعجاز قرآن است تا بدین ترتیب، خواننده و شنونده بداند که قرآن که معجزه است، از همین حروف معمولی ساخته شده است و افراد بشر از آوردن مانند آن یا مثل بخشی از آن عاجزند. // حروف مقطعه، نشانه مجهولات و نقاط مبهمی است که برای بشر، قابل فهم نیست. // هر یک از این حروف، به مثابه ادات تنبیه (از قبلاً، آما، هان و...) هستند تا موجب سکوت مشرکان و انگیزه هشیاری و استماع و جلب نظر آنان به قرآن گردد. // مراد از جمیع حروف مقطعه که مقترب به لفظ کتاب یا قرآن است، نام مقدّس حضرت محمد (ص) است که خداوند متعال، به آن قسم می‌خورد. // این حروف، علامت پاره‌ای از واژه‌های عربی است که قبلاً، در ادبیات عرب رایج بوده است. // حروف مقطعه در آغاز هر سوره، کلمه‌ای است دارای معنی خاص که برخی با گذشت زمان، متروک مانده و برخی به ما رسیده است. // حروف مقطعه، صرفاً، حروف الفبا هستند که خدا با ذکر جزء، کل ۲۸ حروف الفبا را اراده کرده است. // این حروف، صرفاً، حروف مجرد هستند با همان خاصیت آوایی که دارند، رمز و اشاره نیستند و حکمت آوردن این حروف در اوایل این سوره، از محدوده الفاظ و اصوات تجاوز نمی‌کند. // حروف مقطعه، احتمالاً حروف آغازین یا نماد اسامی مؤمنانی هستند که در حیات پیامبر (ص)، مجموعه‌هایی شخصی از سوره را برای خود فراهم آورده بودند و زمانی که کاتبان، قرآن را گرد آوردند، رموز مالکان نسخه‌های خطی را در مصاحف به کار بردند؛ مثلاً الر، نماد الزبیر، المر، نماد المّعیر و حم، رمز عبدالرحمان. این نشانه‌های رمزی، زمانی که مسلمانان بعدی، دیگر معانی آن را نمی‌دانستند، تصادفاً و بر اثر بی‌دقتی کاتبان، وارد قرآن شده‌اند. // حروف مقطعه، معمولاً، قبل از نام و یادی از کتاب، قرآن، ذکر، وحی، نوشته و... می‌آید. این خود، نشان می‌دهد که ارتباطی میان این دو (حروف مقطعه و عظمت قرآن) موجود است. // این حروف، درحقیقت، نوعی بازی کردن با معانی است. // بیشتر این حروف، آغازگر سجع و آهنگ سوره‌شان هستند. // بیشترین حجم حروف سوره را حروف مقطعه‌ای که در ابتدای آن سوره قرار دارد، به خود اختصاص داده است؛ به‌طور نمونه، حروف الف و لام و میم که در ابتدای سوره بقره آمده است، بیشتر

از سایر حروف، در سوره بقره به کار رفته است. // این حروف، بیانگر منازل عرفانی است که جز عارف، به آنها دست نمی‌یابد.

## ۲-۱- کاربرد دینی و ادبی و هنری حروف مقطعه قرآنی

۲-۱-۱- الف لام را (الر): سه حرف آ، ل، ر // از حروف مقطعه قرآنی در آغاز پنج سوره به نام‌های یونس (۱۰)، هود (۱۱)، یوسف (۱۲)، ابراهیم (۱۴)، حجر (۱۵). // کنایه از قرآن و یا هر کدام از سور مذکور و یا محتویات و حکایات آن.

**الف. از نظر تفاسیر دینی و مذهبی:** اشاره به اسم اعظم الهی دارد. // الر را مفسران، اناالله آری (منم خدایی که می‌بینم) و اناالله رثوف (منم خدای مهربان) تعبیر و معنی می‌کنند. // اشاره به الرحمن دارد. // اشاره به الرحیم دارد. // به دو الر دو لفظ الرحمن و الرحیم در آیه بسم الله الرحمن الرحیم نیز توجه دارد. // **الر**، بخشی از **الر**، **حم**، ن است که آن را صورت پراکنده‌ای از الرحمن می‌دانند.

**ب. از نظر فضایل دینی و مذهبی:** با خواندن این سوره، در روز قیامت، از مقربان درگاه الهی می‌شود. اجر و ثواب و عطای خداوند فراوان می‌شود. از گناهان او، چشم‌پوشی می‌شود. از بلاها و امراض، حفظ می‌شود. شجاعت و قوت قلب می‌یابد. خواندن این سوره، رافع و دافع گرفتاری، بلاها، دشمنی، چشم‌زخم، نظر بد، شرّ و هراس این دنیا و روز قیامت است. باعث فراوانی رزق، برآورده شدن حوایج و افزایش شیر مادر می‌شود. مرگ را آسان می‌کند. خواندن و نوشتن آن بر گهوارهٔ کودک، باعث آرامش کودک می‌شود. (ن. ک: نور محمدی، ۱۳۸۲: ۸۱-۹۷)

**ج. از نظر ادبی و هنری:** برخی از آیات این سوره، بر اساس اهمّیت کلامی، اعتقادی، بیانی و بلاغی با جلوه‌های هنری اقتباس، درج و تلمیح و... در بیان مصادیق و تأکیدات دینی و مذهبی شعرا و نویسندگان، بیشتر مورد توجه بوده‌اند.

که شعر است قرآن و بی‌معنی است الف لام میم و الف لام را

(بهار، ۱۳۶۸: ۴۲۲)



۲-۱-۲- الف لام میم (الم): سه حرف آ، ل، م. // از حروف مقطعه قرآنی در آغاز شش سوره به نام‌های بقره (۲)، آل عمران (۳)، عنکبوت (۲۹)، روم (۳۰)، لقمان (۳۱)، سجده (۳۲). // کنایه از سوره الروم از قرآن است. // کنایه از قرآن یا هر کدام از سور مذکور و یا محتویات و حکایات آن.

**الف.** از نظر تفاسیر دینی و مذهبی<sup>۳</sup>: اشاره به اسم اعظم الهی دارد. // الف، اشاره به الله، لام، اشاره به لطیف و میم، اشاره به مجید یا محب است. // الف، اشاره به الله، لام، اشاره به جبرئیل و میم، اشاره به محمد است؛ یعنی، خدا، قرآن را به واسطه جبرئیل به محمد (ص) نازل کرده است. // الف، اشاره به احد، لام، اشاره به لطیف و میم، اشاره به ملک است؛ یعنی، الاحد اللطیف الملک. // الف، اشاره به نام مقدس الله، لام، اشاره به لقای حق و میم، اشاره به محبت الهی در مخلوق است. // الف، اشاره به قیام در نماز، لام، اشاره به رکوع و میم، اشاره به سجود است. // الف از آلاء الهی، لام از لطف الهی و میم از مجد الهی مشتق شده است. // الف، اشاره به انا، لام، اشاره به الله و میم، اشاره به علم اوست؛ یعنی، انا الله اعلم (منم خدایی که می دانم)؛ مفسرین، انا الله الملک و انا الله المجید و انا الله سلطان نیز می نویسند.

**ب.** از نظر فضایل دینی و مذهبی: خواندن این سوره و به همراه داشتن آن و بویژه آیه الکرسی بقره، دافع شرّ شیطان، دشمن، مشکلات، درد، غصه، بیماری، فقر، بدهکاری، گمراهی، سرگردانی و حیرانی می شود. باعث افزایش حافظه، رزق، ثواب، برآورده شدن حوایج، فرزنددار شدن مادر و زایمان راحت می شود. (ن.ک: نورمحمدی، ۱۳۸۲: ۴۹ - ۶۱ و نیز ۱۴۹ - ۱۵۵)

**ج.** از نظر ادبی و هنری: برخی از آیات این سوره، براساس اهمیت کلامی، اعتقادی، محتوایی، بیانی و بلاغی با جلوه‌های هنری اقتباس، درج و تلمیح و... در بیان مصادیق و تأکیدات دینی و مذهبی شعرا و نویسندگان، بیشتر مورد توجه بوده‌اند. // با ساختاری هنری و ادبی، ضمن بیان مفاهیم و معانی حروف مقطعه قرآنی و توجه به شکل و حالت این حروف، به ایهام، به راستی، استواری و ایستادگی حرف الف و خمیدگی، کجی و شکنج حرف لام و خردی، تنگی و باریکی حرف میم توجه دارد و از الف، قد و قامت و از لام، زلف و از

میم، دهان و خال را اراده کرده است. // به ایهام، به واژه آلم عربی، به معنی رنج و دردمندی نیز توجه دارد.

که شعر است قرآن و بی معنی است الف لام میم و الف لام را (بهار، ۱۳۶۸: ۴۲۲)

آمد الحمد اول قرآن پس الف لام میم از پی آن (جامی، ۱۳۶۸: ۹)

صورت عین شین و قاف در سر یعنی که عشق نقش الف لام میم در دل یعنی الم (خاقانی، ۱۳۷۳: ۲۶۰)

الف لا میم چون دانست تحقیق بدانند سر قرآن یافت توفیق (عطار، ۱۳۷۱: ۴۴۴)

این الف لام میم و حا میم ای پدر آمدست از حضرت مولی البشر (مولوی، ۱۳۷۲، ج ۵: ب ۱۳۲۰)

قامت و زلف و دهانش چون الف لام است و میم گرننداری صدق والله العزیز ذوانتقام (نسیمی، ۱۳۷۲: ۲۲۵)

- و هر آیتی که در قرآن الف، لام، میم بود، همه بخوانند و تفسیر بکردند... (عنصر المعالی، ۱۳۷۵: ۲۰۹)

- تمامی سوره‌های قرآن را که در آغازش حروف الف لام میم بود، گرد کردند... (شیخ بهایی، ۱۳۷۴: ۴۲۶)

۱-۳- حا میم (حم): دو حرف ح، م. // از حروف مقطعه قرآنی در ابتدای چند سوره به نام های غافر یا مؤمن (۴۰)، فصلت (۴۱)، زخرف (۴۳)، دخان (۴۴)، جاثیه (۴۵)، احقاف (۴۶). // کنایه از قرآن و یا هر کدام از سور مذکور و یا محتویات و حکایات آن.

**الف. از نظر تفاسیر دینی و مذهبی:** اشاره به اسم اعظم الهی دارد. // حم، آغاز نام‌های خداوند است: حلیم، حمید، حکیم، حی، حنان و... // حرف حا، مختصر حیات، میم، مختصر موت یا ممات است. // حم، یعنی قضا و انجام شد، آنچه بود. // خداوند با این لفظ، به حلم و ملک قسم خورد. // حم، بخشی از الر، حم، ن است که آن را، صورت پراکنده‌ای از الرحمن

می‌دانند. // حم و سور آن را، گل‌های خوشبوی قرآن می‌نامند. // برخی به حوامیم جمع می‌بندند و اشتباه است؛ اما در بعضی از اشعار شعرا آمده‌است.

**ب. از نظر فضایل دینی و مذهبی:** خواندن و دمیدن این سور، باعث برآورده شدن حوائج، افزایش رزق و ثواب این دنیا و آخرت، بخشیده شدن گناهان و محشور شدن با پیامبر در روز قیامت و نیز دافع شرّ، آفات، هراس این دنیا و آخرت، امراض، گرفتاری و فشار قبر می‌شود. هر کس در هر شب، به خصوص، شب جمعه، این سور را قرائت کند، خداوند، گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد و آخرتش را بهتر از دنیایش قرار می‌دهد. (ن. ک: نور محمدی، ۱۳۸۲: ۱۸۹ - ۲۱۱)

**ج. از نظر ادبی و هنری:** برخی از آیات این سور، براساس اهمیت کلامی، اعتقادی، محتوایی، بیانی و بلاغی با جلوه‌های هنری اقتباس، درج و تلمیح و... در بیان مصادیق و تأکیدات دینی و مذهبی شعرا و نویسندگان، بیشتر مورد توجه بوده‌اند. // با ساختاری هنری و ادبی، ضمن بیان مفاهیم و معانی حروف مقطعه قرآنی و توجه به شکل و حالت این حروف، با ایهام، به خمیدگی، کجی، شکنج و هیچ نداشتن حرف ح و خردی، تنگی و باریکی حرف میم توجه دارد و از ح، ابروی کمانی، زلف و گیسوی پُرشکنج و خمیده و از میم، دهان را اراده کرده‌است. // به واسطه شکل خاص حروف ح و میم که مظهر کجی، ناراستی و خمیدگی است، خطوط کج و ناراست و نقش بافته‌های حصیر و بوریا را به آن نسبت می‌دهند و از آن، به نقش حامیم تعبیر می‌کنند. // به ایهام، توجهی هم به معنای حم و حمیم (گرمای شدید) دارد.

دل چو درافتاد به حامیم تب      شربت طاهها و الف لام داد

(اوحادی مراغه‌ای، ۱۳۷۵: ۵۳)

شکل گیسوی و دهان تو به صورت حامیم      حرف منشور جلال تو به معنی طاهاست

(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۴: ۶۰۴)

در مرتبه‌ای طاهها در مرتبه‌ای یاسین      در مرتبه‌ای حامیم در مرتبه‌ای سبحان

(شاه نعمت الله، ۱۳۷۴: ۶۱۷)

این الف لام میم است و حامیم ای پدر آمدست از حضرت مولی البشر  
(مولوی، ۱۳۷۴: ج ۵، ب ۱۳۲۰)

۲-۱-۴- صاد (ص): حرف ص // از حروف مقطعه قرآن کریم در آغاز سوره‌ای با این نام // کنایه از سوره ص (۳۸) و یا محتویات و حکایات آن // کنایه از کل قرآن یا محتویات و حکایات آن.

الف. از نظر تفاسیر دینی و مذهبی: اشاره به اسم اعظم الهی دارد // طبق تفاسیر، نام چشمه‌ای است که از زیر عرش می‌جوشد و رسول خدا (ص) در شب معراج از آن وضو گرفت // اولین آیه آن ص و القرآن است که معمولاً، سوره صاد به این نام نیز نامیده می‌شود.

ب. از نظر فضایل دینی و مذهبی: هر کس در شب جمعه، این سوره را تلاوت کند، خیر و ثواب و مزد دنیا و آخرت، نصیب او می‌شود. (ن. ک: نورمحمدی، ۱۳۸۲: ۱۸۳-۱۸۵)  
ج. از نظر ادبی و هنری: برخی از آیات این سوره، براساس اهمیت کلامی، اعتقادی، محتوایی، بیانی و بلاغی با جلوه‌های هنری اقتباس، درج و تلمیح و... در بیان مصادیق و تأکیدات دینی و مذهبی شعرا و نویسندگان، بیشتر مورد توجه بوده‌اند // با ساختاری هنری و ادبی، ضمن بیان مفاهیم و معانی حروف مقطعه قرآنی و با توجه به شکل و حالت حرف ص، شباهت آن به چشم، به ایهام، در ادبیات از آن به چشم تعبیر می‌کنند.  
به خال طرفه نون و به چشم شاهد صاد به زلف پر خم یاسین و طره طاها  
(عطار، ۱۳۶۶: ۷۲۹)

۲-۱-۵- طاسین (طس): دو حرف ط، س // از حروف مقطعه قرآنی در آغاز سوره‌ای به نام نمل (۲۷) // کنایه از سوره نمل و محتویات و حکایات آن // کنایه از کل قرآن و محتویات و حکایات آن.

۲-۵-۱- از نظر تفاسیر دینی و مذهبی: اشاره به اسم اعظم الهی دارد // مفسران معنای آن را انا طالب السميع (منم طالب شنوا) می‌نویسند // ط، اشاره به لطیف و سین، اشاره

به سمیع دارد. // ط، اشاره به طول و سین، اشاره به سنای حق دارد. // جمع آن ذوات طس است؛ نه طواسین که اشتباه است.

**الف. از نظر فضایل دینی و مذهبی:** هر کس این سوره را در شب‌های جمعه قرائت کند از اولیا و دوستان خدا شمرده می‌شود. رنج و سختی در دنیا به او نمی‌رسد و نعمت‌های بهشتی به او عطا می‌گردد. در بهشت با پیامبران خدا هم‌نشین می‌شود. (ن.ک: نورمحمدی، ۱۳۸۲: ۱۴۱ - ۱۴۷)

**ب. از نظر ادبی و هنری:** برخی از آیات این سوره، بر اساس اهمیت کلامی، اعتقادی، محتوایی، بیانی و بلاغی با جلوه‌های هنری اقتباس، درج و تلمیح و... در بیان مصادیق و تأکیدات دینی و مذهبی شعرا و نویسندگان، بیشتر مورد توجه بوده‌اند.

آن‌که طاها طهارتش داده آن‌که طاسین امارتش داده  
(سنایی، ۱۳۷۴: ۲۳۴)

**۱-۶-۲- ط سین میم (طسم):** سه حرف ط، س، م. // از حروف مقطعه قرآنی در آغاز دو سوره به نام‌های شعراء (۲۶)، قصص (۲۸). // کنایه از هر کدام از دو سوره مذکور و محتویات و حکایات آن. // کنایه از کل قرآن و محتویات و حکایات آن.

الف. از نظر تفاسیر دینی و مذهبی<sup>۷</sup>: اشاره به اسم اعظم الهی دارد. // مفسران، معنای آن را انا الطالب السميع المبدء المعید و انا الطالب السميع المعید (منم خدای طالب و شنونده و معید) می‌نویسند. // ط، اشاره به ذی الطول، سین، اشاره به القدوس و میم، اشاره به الرحیم و یا الرحمن دارد.

**ب. از نظر فضایل دینی و مذهبی:** هر کس این سوره را در شب‌های جمعه قرائت کند، از اولیا و دوستان خدا شمرده می‌شود. رنج، سختی، درد و امراض در دنیا به او نمی‌رسد و نعمت‌های بهشتی به او عطا می‌گردد. در بهشت، با پیامبران و فرستادگان خدا هم‌نشین می‌شود، ثواب و پاداش زیادی به او عطا می‌شود؛ مثل این است که تمام کتاب‌های آسمانی نازل شده از سوی خداوند را قرائت نموده‌است. (ن.ک: نورمحمدی، ۱۳۸۲: ۱۴۱ - ۱۴۷)

ج. **از نظر ادبی و هنری:** برخی از آیات این سوره ها، براساس اهمیت کلامی، اعتقادی، محتوایی، بیانی و بلاغی با جلوه‌های هنری اقتباس، درج و تلمیح و... در بیان مصادیق و تأکیدات دینی و مذهبی شعرا و نویسندگان، بیشتر مورد توجه بوده‌اند.

پس از الحمد و الرحمن و الکهف      پس از یاسین و طاسین میم و طاها

(خاقانی، ۱۳۷۳: ۲۵)

۱-۲-۷- **طاها (طه):** دو حرف ط، ه // از حروف مقطعه قرآن در آغاز سوره‌ای با این نام // کنایه از سوره طه (۲۰) و محتویات و حکایات آن // کنایه از کل قرآن و محتویات و حکایات آن.

**الف. از نظر تفاسیر دینی و مذهبی:** اشاره به اسم اعظم الهی دارد. // طه، اسم فعل است؛ به معنی آرام کن. // کنایه از پیامبر (ص). // کنایه از آل پیامبر (ص). // طه، مختصر کلمه طور و ها، مختصر کلمه هدایت است. // طه، اشاره به طهارت اهل بیت دارد. // به معنی یارِ جَل (ای مرد) است. در پاره‌ای از اشعار عرب نیز به کلمه طه برخورد می‌کنیم که مفهومی شبیه یارِ جَل و یا نزدیک به آن دارد. // معانی آن را طالب الحق، الهادی الیه (ای کسی که طالب حقی و هدایت‌کننده به سوی آنی) یا طأ الارض بقدمیک در حق پیامبر اکرم (ص) بیان کرده‌اند. // مرگب از دو حرف رمزی است.

**ب. از نظر فضایل دینی و مذهبی:** خداوند این سوره را دوست دارد و هر کس، آن را تلاوت کند، خداوند او را نیز دوست می‌دارد. هر کس، این سوره را تلاوت کند، نامه اعمالش به دست راست داده می‌شود، مشکلاتش رفع می‌شود، باعث فراوانی روزی می‌شود. عُمر، با استماع تلاوت سوره طه، تحت تأثیر قرار گرفت و اسلام آورد. (ن.ک: نورمحمدی، ۱۳۸۲:

۱۱۵-۱۱۷)

ج. **از نظر ادبی و هنری:** برخی از آیات این سوره، براساس اهمیت کلامی، محتوایی، اعتقادی، بیانی و بلاغی با جلوه‌های هنری اقتباس، درج و تلمیح و... در بیان مصادیق و تأکیدات دینی و مذهبی شعرا و نویسندگان، بیشتر مورد توجه بوده‌اند. // با ساختاری هنری و ادبی، ضمن بیان مفاهیم و معانی حروف مقطعه قرآنی، با توجه به شکل و حالت گرد،

مدوّر، شکنج و خمیده حروف ط و ه، در طه و ترکیب حرف ط و ه در لفظ طره و تشابه حرفی طره با طه، از حرف ط و ه و ترکیب آنها، با بیانی هنری، طره، زلف و مو را اراده کرده است. با توجه به شکل و حالت خاص حرف ط و ه و شباهت آن به چشم و گردی صورت، از آن، چشم و روی و صورت را نیز اراده کرده‌اند. بر این اساس، حلقه روی، به ایهام، هم می‌تواند اشاره به گردی و حلقه‌مانندی روی و صورت داشته‌باشد و هم به کنایه، زلف حلقه‌مانندی که بر روی می‌افتد و از آن به حلقه روی تعبیر می‌کنند، مد نظر باشد. عقد گیسو و خطوط تمغا و یرلیغ و طغرا نیز از دیگر تعابیر برگرفته از شکل حلقه و شکل گره مانند ط و ه است.

- یاسین ز نامت آیتی طاهها ز علمت رایتی      کشف تو از مه غایتی برداشت مهر دختری  
(اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۷۵: ۳۷)
- بید خرما و تبرخون ندهد میوه      دیو طاهها و تبارک نکنند از بر  
(اعتصامی، ۱۳۷۱: ۳۸۵)
- پیشت آرم مصطفایی را شفیع      کاسم او یاسین و طاهها دیده‌ام  
(خاقانی، ۱۳۷۳: ۲۷۵)
- تورا عز لولاک تمکین بس است      ثنای تو طاهها و یاسین بس است  
(سعدی، ۱۳۶۳: ۶)
- رویت چو طاهها ظاهرست واللیل مویت ظاهرست      امر لعمرک ناظرست دریا که پاک آمد لقب  
(سنایی، ۱۳۶۲: ۶۷)
- صورتش در طا وها می جو که هست      معنی‌اش در یا و سین یعنی علی  
(شاه نعمت‌الله، ۱۳۷۴: ۵۳۶)
- طره مشکین عنبرپاش از یاسین چنند      حلقه روی بهشت‌آساش از طاها زنند  
(عراقی، ۱۳۷۳: ۵۱)
- زهی طاهها و یاسین نعت نامت      زهی روح القدس کمتر غلامت  
(عطار، ۱۳۶۶: ۴۰۸) از
- تا تو بر یک پانسوزی تا سحر مانند شمع      پی وضع قدم‌ها امرطاهها آمده  
(منصور حلاج، ۱۳۶۹: ۱۷۱)

آمده در شأن چشم‌مت رمز مازاغ البصر روی و مویت را بیان یس و طاهها آمده

(نسیمی، ۱۳۷۲: ۲۷۵)

– عُمَر به خانه خواهر خویشان در آمد؛ خواهرش، قرآن می خواند، طاهها ما انزلنا به آواز...

(مولوی، ۱۳۷۸: ۳۹۹)

۲-۱-۸- قاف (ق): حرف ق. // از حروف مقطعه قرآن در آغاز سوره ای با این نام. // کنایه

از سوره ق (۵۰) و محتویات و حکایات آن. // کنایه از کل قرآن و محتویات و حکایات آن.

**الف. از نظر تفاسیر دینی و مذهبی<sup>۹</sup>:** اشاره به اسم اعظم الهی دارد. // اشاره به قدرت الهی

است در پادشاهان زمین. // اشاره به اسماء الله مثل قادر و قیوم است. // اشاره به جبل قاف دارد

که محیط به دنیا است. // مختصر قیامت است؛ چرا که مضامین سوره ق، درباره قیامت است. //

اولین آیه آن ق و القرآن است که معمولاً سوره قاف، به این نام نیز نامیده می شود.

۲-۲-۸-۲- از نظر فضایل دینی و مذهبی: خواندن این سوره، باعث افزایش رزق،

بیناشدن چشم کور، جان کندن راحت و افزایش شیر مادر می شود. باعث می شود که نامه

اعمال به دست راست داده شود. آدمی را از شر شیطان و بیماری و مشکلات محفوظ می

دارد. (ن.ک: نورمحمدی، ۱۳۸۲: ۲۲۵ - ۲۲۶)

**ب. از نظر ادبی و هنری:** برخی از آیات این سوره، براساس اهمیت کلامی، اعتقادی،

محتوایی، بیانی و بلاغی با جلوه های هنری اقتباس، درج و تلمیح و... در بیان مصادیق و

تأکیدات دینی و مذهبی شعرا و نویسندگان، بیشتر مورد توجه بوده اند. // با ساختاری هنری

و ادبی، ضمن بیان مفاهیم و معانی حروف مقطعه قرآنی و توجه به شکل و حالت این حرف،

از یک طرف، با ابهام به شکل و حالت حرف قاف، خمیدگی و انحنا مد نظر است و از طرف

دیگر، با توجه به معنای لفظی قاف که کوه معروف باشد، ایستادگی و بلندی قد و قامت

مورد توجه است.

همرهند این پنج تن چون کاف و ها یا عین و صاد یک تنه چون ق و القرآن من اینجا مانده ام

(خاقانی، ۱۳۷۳: ۹۰۶)

به ق و القرآن و به صاد و القرآن به علم القرآن و به علم الاسماء

(عطار، ۱۳۶۶: ۷۲۹)



سوره قاف است رویش هرکه این مصحف بخواند گرچه کافر می‌نماید انه شیء عجیب

(نسیمی، ۱۳۷۲: ۱۲۹)

۲-۱-۹- کاف ها یا عین صاد (کهیصص): پنج حرف ک، ه، یا، ع، ص // از حروف مقطعه قرآن در آغاز سوره مریم (۱۹) // کنایه از سوره مریم و نیز کل قرآن و محتویات و حکایات آن.

**الف. از نظر تفاسیر دینی و مذهبی:**<sup>۱۰</sup> اشاره به اسم اعظم الهی دارد // براساس نظر برخی از مفسران، کاف، اسم کربلا، ها، هلاک و شهادت عترت رسول (ص)، یا، یزید لعنت الله علیه، عین، عطش آن حضرت و صاد، صبر اوست // اشاره به اسماء حسنی از قبیل کافی و هادی و غیره // مفسران، معنای آن را انالله هادی و ولی و صادق الوعد می‌نویسند // کاف، اشاره به الکریم، ها، اشاره به الهادی، یا، اشاره به الحکیم، عین، اشاره به العلیم و صاد، اشاره به الصادق دارد // کاف، اشاره به کریم، ها، اشاره به هادی، یا، اشاره به یقین، عین، اشاره به علم و صاد، اشاره به صادق دارد // این سوره، به صورت کاف، کاف‌ها، کاف یا ها، نیز نامیده و خوانده می‌شود.

**ب. از نظر فضایل دینی و مذهبی:** هر کس در خواندن این سوره، مداومت کند، خداوند، مال دنیای فراوانی بر او عطا می‌کند، در آخرت، از یاران حضرت عیسی شمرده می‌شود و سلطنتی مثل سلطنت حضرت سلیمان، در دنیا و در آخرت خواهد داشت. هر کس، این سوره را بنویسد و نگه دارد از بلاها، بدی‌ها، آزارها، گرفتاری‌ها، امراض و ترس در امان می‌ماند. خواندن آن، باعث گشایش در رزق و روزی می‌شود. (ن. ک: نورمحمدی، ۱۳۸۲: ۱۱۱ - ۱۱۴)

**ج. از نظر ادبی و هنری:** برخی از آیات این سوره، براساس اهمیت کلامی، اعتقادی، محتوایی، بیانی و بلاغی با جلوه‌های هنری اقتباس، درج و تلمیح و... در بیان مصادیق و تأکیدات دینی و مذهبی شعرا و نویسندگان، بیشتر مورد توجه بوده‌اند.

همرهند این پنج تن چون کاف و ها یا عین و صاد یک‌تنه چون قاف و القرآن من اینجا مانده‌ام

(خاقانی، ۱۳۷۳: ۹۰۶)

از آن لب شکرینت بهانه های دروغ به جای فاتحه و کاف ها و یاسین است (مولوی، ۱۳۶۳: ۲۱۷)

۲-۱-۱۰- **نون (ن):** حرف ن // از حروف مقطعه قرآن در آغاز سوره ای با نام ن یا قلم // کنایه از سوره ن یا قلم (۶۸) و محتویات و حکایات آن // اولین آیه آن «ن والقلم» و مایسترون (نون و قسم به قلم و آنچه می نویسد) است که معمولاً، سوره نون، «ن والقلم» نیز نامیده می شود // کنایه از کل قرآن و محتویات و حکایات آن.

**الف. از نظر تفاسیر دینی و مذهبی<sup>۱۱</sup>:** اشاره به اسم اعظم الهی دارد // نون، نام دیگری است از سوره ن والقلم // در اصطلاح صوفیه، نون، عبارت از علم خدای متعال است در حضرت احدیت و قلم، حضرت تفصیل است // نون، با توجه به تلمیح داستانی، کنایه از حضرت یونس و آن، ماهی ای است که حضرت یونس، مدتی در شکم آن قرار گرفت // با عنایت به معنی نون، نون، اشاره به هر ماهی دریایی دارد // اسم آن ماهی ای است که زمین بر روی آن قرار دارد // حرفی از حروف الرحمن است // نون، کنایه از دوات است // نون، اشاره به لوحی از نور دارد // نون، اشاره به نهری بهشتی دارد // نون، اشاره به نور دارد // نون، اشاره به ناصر دارد // ن والقلم، یعنی حرف ن و لفظ قلم // ن والقلم، به گفته صوفیه، نون، علم الهی و قلم، عقل اول است.

**ب. از نظر فضایل دینی و مذهبی:** خواندن این سوره، بویژه ان یکاد الذین، دافع فقر، تنگدستی، فشار قبر، درد، بلایا، چشم زخم و نظر بد است. مانع سقط جنین و موجب افزایش حافظه می شود و مرگ را آسان می کند. (ن. ک: نور محمدی، ۱۳۸۲: ۲۷۵ - ۲۷۶)

**ج. از نظر ادبی و هنری:** برخی از آیات این سوره، براساس اهمیت کلامی، اعتقادی، محتوایی، بیانی و بلاغی با جلوه های هنری اقتباس، درج و تلمیح و... در بیان مصادیق و تأکیدات دینی و مذهبی شعرا و نویسندگان، بیشتر مورد توجه بوده اند // با ساختاری هنری و ادبی، ضمن بیان مفاهیم و معانی حروف مقطعه قرآنی و توجه به شکل و حالت این حروف، با توجه به شکل و حالت خمیده، کج و ناراست حرف نون، به کجی ابرو، زلف پُرشکنج و پُرخم و تاب دار، انحنای تیغ و شمشیر، قدوقامت خمیده، قوسی کف دست، هلال ماه، حالت

سجده، خطوط کج و ناراست طغرا توجه دارد و معمولاً، از سوره نون، زلف پُر خَم و شکنج و مُجَعَد مراد است. با توجه نقطه حرف ن، از ن و نقطه آن، به حال تعبیر می‌شود. از طرف دیگر، به معنای ماهی و شکل خمیده مانند آن نیز، توجه دارد. // با عنایت به شکل و حالت خمیده، کج و ناراست ن و راستی، کشیدگی و ایستایی شکل قلم، از ترکیب ن والقلم، علاوه بر تقابل کجی و راستی، با بیان هنری و ادبی و با ایهام، به ن والقلم قرآنی، تعبیر و کنایات نغزی در ادب پارسی خلق شده است. ن والقلم، کنایه از دنیا است؛ چراکه دوات و قلم، همه از لوازم دنیا است. ن والقلم، اشاره به ابرو و مژه دارد. // ن والقلم، یعنی کمان و تیر است. // ن والقلم، اشاره به خمیدگی در رکوع و سجود دارد. // ن والقلم، اشاره به زلف پُر خَم و پُر شکنج، بر قامت رعنا و ایستاده معشوق دارد. // ن والقلم، کنایه از کمان و زه است. // از ن والقلم، ابرو و بینی را اراده کرده است.

- همی کردم حدیث ابرو و مژگان او هر دم / چو طفلان سوره ن والقلم خوانان به مکتب‌ها  
(امیر خسرو دهلوی، ۱۳۴۳: ۲۷)
- زلف تو تن را نوشت سوره نون بر ورق / قد تو دل را نهاد لوح الف در بغل  
(اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۷۵: ۲۵۰)
- چو من ماهی کلک آرم به تحریر / تو از ن والقلم می‌پرس تفسیر  
(حافظ، ۱۳۶۲: ۱۰۴۷)
- چرخ را نشره نون والقلم است از مه نو / کان همه سرخی در باختر آمیخته‌اند  
(خاقانی، ۱۳۷۳: ۱۱۸)
- چون قلم دار گفت جفت قدم / ورنه نداری تو نون بوی نه قلم  
(سنایی، ۱۳۷۴: ۲۹۲)
- قوس قدرت را تویی زه لاجرم / گشت نازل زین سبب ن والقلم  
(عطار، ۱۳۷۳: ۱۲۴)
- گر چو نونی در رکوع و چون قلم اندر سجود / پس تو چون ن والقلم پیوند با مایسترون  
(مولوی، ۱۳۶۳: ۷۳۳)
- هست ابروی تو آن حرفی که نامش را اله / در کلام کبریا قبل از قلم نون می‌کند  
(نسیمی، ۱۳۷۲: ۱۹۱)

۲--۱۱- یا سین (یی سین) (یس): دو حرف ی، س // از حروف مقطعه قرآن در آغاز سوره‌ای با این نام // کنایه از سوره یس (۳۶) و محتویات و حکایات آن // کنایه از کل قرآن و محتویات و حکایات آن.

**الف. از نظر تفاسیر دینی و مذهبی**<sup>۱۲</sup>: اشاره به اسم اعظم الهی دارد // از اسامی پیامبر (ص) است // مفسران، در معنای آن، سامع الوحی والقرآن الحکیم انک لمن المرسلین علی صراط مستقیم (ای شنوای وحی قرآن کریم، به درستی که تو، قطعاً از فرستادگان خدایی که بر راه راست آئی) می‌نویسند // یاسین، اشاره به یا سید دارد // یا، حرف ندا، سین، اشاره به سید دارد // یاسین، اشاره به یا انسان دارد // یا، حرف ندا، سین، اشاره به انسان دارد // یاسین، یعنی، ای انسان و منظور، هم حضرت محمد (ص) و هم، آدمی است // سین در یاسین، مخفف انیسین، مصغر انسان است // یاسین از قوارع قرآن است و آنها عبارت‌اند از آیاتی که هر که آنها را بخواند از شیاطین و انس و جن و دیو مصون می‌ماند // سوره یاسین، عروس قرآن است // سوره یاسین، قلب قرآن است // سوره یاسین، گل خوشبوی قرآن است.

**ب. از نظر فضایل دینی و مذهبی**: گوش کردن، تلاوت و قرائت این سوره، ثواب دارد و زیاد توصیه شده است. خواندن (با لحن خوش)، حفظ کردن، تکرار کردن، نوشتن و دمیدن آن بر روی چیزی و نگاه داشتن آن، به همراه سوره الرحمن، الانعام، النجم و طاه، با خود، ثواب فراوان دارد. باعث آرامش، افزایش رزق، شفاعت و آمرزش گناهان، پیداشدن گمشده، افزایش شیر مادر، افزایش حافظه و نورانی شدن چهره می‌شود. دافع و رافع شر شیاطین، بلا، گرفتاری‌ها، دیوانگی، امراض، چشم‌زخم، نظر بد، حسد، کینه، فشار قبر و وسواسی می‌شود. خواندن یاسین در مساجد و اماکن مذهبی، به خصوص در شب جمعه و بر سر اموات، ثواب دوازده مرتبه ختم قرآن را دارد. خواندن آن بر سر فرد در حال احتضار، جان دادن او را آسان می‌کند و فرشتگان، برای استغفار او، نازل می‌شوند و در کفن و دفن او شرکت می‌کنند و برای او نماز می‌خوانند و او را از نعمات بهشتی بهره‌مند می‌گردانند. (ن.ک: نورمحمدی، ۱۳۸۲: ۱۶۹ - ۱۷۸). یاسین مغربی، حرزی است که با سوره یاسین و بعضی ادعیه تدوین شده است و بسیار مؤثر است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۶۹۵).

ج. از نظر ادبی و هنری: برخی از آیات این سوره، براساس اهمیت کلامی، اعتقادی، بیانی و بلاغی با جلوه‌های هنری اقتباس، درج و تلمیح و... در بیان مصادیق و تأکیدات دینی و مذهبی شعرا و نویسندگان، بیشتر مورد توجه بوده‌اند. // با ساختاری هنری و ادبی، ضمن بیان مفاهیم و معانی حروف مقطعه قرآنی و توجه به شکل و حالت این حروف، با ایهام، به شکل و حالت یا، خمیدگی، کجی، افتادگی و واپسینی و با ایهام، به شکل و حالت سین، دندان‌داری و شکنج و تیزی مد نظر است. // به ایهام از یا، لب و از سین، دندان را اراده کرده است و از مجموع یا و سین، لب و دندان و نیز لب خندان را اراده کرده است. // به ایهام و با تشبیه و بیانی هنری از یاسین، روی و رخساره و دهان را اراده کرده است. // از باب تشبیه و از آنجا که سوره یاسین، عروس قرآن است، زلف پُر شکنج و تاب‌دار را که از ویژگی‌های زیبای محبوب است، بدان نسبت می‌دهند؛ زلف آشفته و زیبای یاسین. البته در این تشبیه، توجهی هم به دندان‌های سین دارد.

سید و صدر روزگار که هست ز آل یاسین چو از نبی یاسین  
(انوری، ۱۳۷۲: ۳۷۷)

یاسین ز نامت آیتی طاها ز علمت رایتی کشف تو از مه غایتی برداشت مهر دختری  
(اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۷۵: ۳۷)

صاحب آن همه گفتار امروز سائل فاتحه و یاسین است  
(اعتصامی، ۱۳۷۱: ۴۵۶)

صورت یاسین بود آن یا و سین در رقمش از همه بالانشین  
(جامی، ۱۳۶۸: ۳۶۸)

از چشم بد ایمنی که دارد دندان و لب تو شکل یاسین  
(خاقانی، ۱۳۷۳: ۶۵۲)

تو را عز لولاك تمکین بس است ثنای تو طاها و یاسین بس است  
(سعدی، ۱۳۶۳: ۶)

این چنین دولتی مرا جویان	من گریزان چو زویع از یاسین (سنایی، ۱۳۶۲: ۵۶۴)
سید ما را ز یاسین می طلب	صورتش از معنی طاهها بجو (شاه نعمت‌الله، ۱۳۷۴: ۴۳۰)
طُرّه مشکین عنبرپاش از یاسین چنند	حلقه روی بهشت آساش از طاهها زنند (عراقی، ۱۳۷۳: ۵۱)
به خال طُرفه نون و به چشم شاهد صاد	به زلف پُر خَم یاسین و طُرّه طاهها (عطار، ۱۳۶۶: ۷۲۹)
شمس تبریزی که فخر اولیاست	سین دندان هاش یاسین من است (مولوی، ۱۳۶۳: ۲۰۰)
از علم پاک جانش وز زهد دل ولیکن	بر زر نوشته یکسر بر طیلسانش یاسین (ناصرخسرو، ۱۳۷۳: ۴۱۱)
اوراد ساکنان سماوات روز و شب	در مدح جد و باب تو یاسین و هل اتی (نسیمی، ۱۳۷۲: ۳۰۴)

## ۲-۲- ترکیبات دینی و ادبی و هنری حروفِ مقطعه قرآنی

۲-۲-۱- آل (طاهها، یاسین): چون طاهها و یاسین در بسیاری از تفاسیر، خود پیامبر(ص) هستند، ترکیب‌ها، کنایه از خاندان و امت پیامبر (ص) و مسلمانان است. (ن.ک: یاسین و طاهها)

سید و صدر روزگار که هست	ز آل یاسین چو از نبی یاسین (انوری، ۱۳۷۲: ۳۷۷)
چون فکندی آتش کین در حریم آل یاسین	ز آه آتش بارشان چون شد که خاکستر نگشتی (بهار، ۱۳۶۸: ۱۴۸)
بندگی کن آل یاسین را به جان تا روز حشر	همچو بی دینان نباید روی اصفَر داشتن (سنایی، ۱۳۶۲: ۴۷۱)

- یادگار نعمت الله قره العین رسول نور طاها آل یاسین سایه سلطان من  
(شاه نعمت الله، ۱۳۷۴: ۴۱۰)
- اگر از جام او نوشی نقی بین مبین خود دشمنان آل یاسین  
(عطار، ۱۳۴۵: ۲۵۱)
- با شریف آن کرد مرد ملتجی که کند با آل یاسین خارجی  
(مولوی، ۱۳۷۲: ج ۲، ب ۲۲۰۳)
- یاری ندهد تو را بر این دیو جز طاعت و حب آل یاسین  
(ناصر خسرو، ۱۳۷۳: ۳۵۹)
- خداوندا رسان جان را به جانان از آن راهی که رفتند آل یاسین  
(نسیمی، ۱۳۷۲: ۲۶۳)

- خداتان خیر دهد ای آل یاسین ای ستارگان حقیقت و ای رایات هدایت. (شیخ بهایی،  
۱۳۷۴: ۱۸۴)

**۲-۲-۲- النجم و یاسین خواندن گدا:** چون گدایان برای گدایی و درخواست کمک مالی، برای ایجاد ترحم و شفقت و برانگیختن احساسات عاطفی، دینی و مذهبی، سوره یاسین و النجم و... ادعیه و اوراد را در اماکن دینی، مذهبی، قبرستانها، کوچه‌ها و سرگذرها می خواندند و تکرار می کردند و سروصدای زیادی ایجاد می کردند، ترکیب، کنایه از سروصدا و ازدحام و شلوغی زیاد است. (ر.ک: یاسین)

از همه بدتر سروصدای گداهاست کاین یک والنجم خواند آن یک یاسین  
(بهار، ۱۳۶۸: ۵۱۰)

**۲-۲-۳- انار یاسین:** (ر.ک: سوره یاسین به نار خواندن)

سیب غبغب اگر به دست افتد بهتر از صد انار یاسین است  
(صائب، ۱۳۶۸: ۱۰۸۳)

**۲-۲-۴- به لب، یاسین خواندن و از کینه، جمله تن، چون سین بودن:** به ایهام، از یا، لب و از سین، دندان را اراده کرده است و از مجموع یا و سین، لب و دندان و نیز لبی خندان را اراده کرده است. در ترکیب به لب یاسین خواندن، ضمن خواندن یاسین، به شکل

لب و دندان که خنده را نیز ابراز می کند، توجه دارد. با توجه به اینکه دندان‌های ارّه مانند سین، نشانه حالت عصبانیت و ناراحتی و خشم است و دندان نشان دادن و دندان تیز کردن و دندان بر روی هم کشیدن، نشانه کینه است، ترکیب به لب یاسین خواندن و از کینه، جمله تن چون سین بودن، به کنایه، یعنی در حین خنده و تبسم ظاهری، دلی پُراز کینه داشتن. (ن.ک: یاسین)

به لب، یاسین همی خوانی ولیکن ز کینه، جمله تن دندان چو سینی  
(مولوی، ۱۳۶۳: ۹۸۷)

۲-۲-۵- به یاسین افتادن: به کنایه، به حال احتضار و مرگ رسیدن. دشوار شدن کار و از چاره گذشتن آن؛ بدان جهت که سوره یاسین را بر پایه سنت و رسم پیامبر (ص)، بر سر محتضر می خوانده‌اند. (ر.ک: یاسین)

رنجور شقاوت چو بیفتاد به یاسین لاحول بود چاره و انگشت گزیدن  
(همان: ۷۱۱)

۲-۳-۶- زلف پُر خم یاسین: از باب تشبیه و از آنجا که سوره یاسین، عروس قرآن است، زلف پُر شکنج و تاب دار را که از ویژگی های زیبای محبوب است، بدان نسبت می دهند. زلف آشفته و زیبای یاسین. (ر.ک: یاسین)

به خال طُرفه نون و به چشم شاهد صاد به زلف پُر خم یاسین و طُره طاهها  
(عطّار، ۱۳۶۶: ۴۸)

۲-۲-۷- سوره یاسین به نار خواندن: اناری که در نوروز، چهل بار سوره یاسین تلاوت کنند ویر آن بدمند و گویند هر که آن را بی مشارکت غیری بخورد، تمام سال از امراض جسمانی در امان باشد. (رامپوری، ۱۳۶۳: ۸۵) کنایه از دعا کردن، چاره اندیشیدن، رفع بلا کردن، حاجت خواستن، از دست امراض روحی و روانی، رهایی یافتن و آرامش پیدا کردن. و نیز به ایهام، به انار پستان محبوب و معشوق که از محسنات محبوب به شمار می رود و مایه آرامش عاشق است، اشاره دارد. (ن.ک: انار یاسین)



سوره یاسین چه می خوانید چل نوبت به نار نارپستانی به دست آرید و صد عشرت کنید  
(صائب، ۱۳۶۸: ۱۳۶۰)

۲-۲-۸- **صاد، نون:** دو حرف ص، ن. // از نون، سوره نون و از صاد، سوره صاد را اراده کرده است. // با ایهام، به شکل و حالت شبیه به چشم حرف ص و خمیدگی و کمانی و انحنا حرف ن توجه دارد و از ص، چشم و از ن، ابرو را اراده کرده است. // از ترکیب دو حرف صاد و نون، به ایهام، لفظ و کلمه نص نیز، مد نظر شاعر بوده است. (ن.ک: ص و ن)  
به زیر آن دو نون طرفه دو صادش نوشته کلکک صنع اوستادش  
(جامی، ۱۳۶۸: ۶۰۱)

دو چشم و ابروی او صاد و نون بود دلیلش نص قاطع نی که نون بود  
(عطار، ۱۳۸۹: ۶۸)

۲-۲-۹- **طا و سین، بی زحمت طاس دادن:** این بیت عطار، در خصوص مور سلیمان است. طاس یا طاس لغزنده، سوراخ قیف مانند مورچه خوار است و مورچه خوار، برای شکار مور، آن را ایجاد می کند و در اثر سقوط مور در آن، مور باید رنج و زحمت زیادی متحمل بشود تا نجات یابد. خلعت عباس هم اشاره به لباس سیاه عباسیان دارد که هم رنگ مور است و طاسین نیز حروف مقطعه آغازین سوره نمل است. ترکیب طاسین، بی زحمت طاس دادن ظاهراً، اشاره به این دارد که خداوند، بدون رنج و مشقت و ریاضت، سوره ای از سور قرآن کریم را، به نام او، یعنی مور کرده است. (ن.ک: عطار، ۱۳۷۰: ۲۶۴-۲۶۵) (ن.ک: طاسین)  
خلعت اولاد عباسش بداد طا و سین بی زحمت طاسش بداد  
(عطار، ۱۳۷۰: ۲)

۲-۲-۱۰- **ماه طاها:** ط، به حساب جمل نه و ه، پنج است و مجموع آنها، چهارده می شود و مقصود از آن، چهارده کامل است. این چهارده، علاوه بر صفت ماه بودن، اشاره ای هم به ماه طه در ترکیب کنایی و بلاغی دارد. به شکل گرد، مدور و خمیده حرف ط و ه نیز توجه دارد. (ن.ک: طاها)

کرده بر چرخ حق به نور یقین طا و ها ماه چاردهاش در دین  
(سنایی، ۱۳۷۴: ۲۳۵)

ماه ملت را تمامی داده از مهر نبی مجلس ما را منیر از ماه طاها کرده‌ای  
(منصورحلاج، ۱۳۶۹: ۱۶۷)

۲-۲-۱۱- **نون والقلم شدن کمان و تیر:** به کنایه، یعنی زه شدن کمان، آماده شدن کمان برای تیراندازی، تیر در کمان قرار گرفتن. از نون، خمیدگی کمان و از قلم، راستی تیر را اراده کرده‌است. (ن.ک: ن)

چون کمان و تیر شد نون و القلم نشره فتح این و آن خواهد نمود  
(خاقانی، ۱۳۷۳: ۴۷۹)

۲-۲-۱۲- **یاسین خواندن:** از آنجا که خواندن، حفظ و تکرار کردن و حتی گوش کردن سوره یاسین، ثواب و پاداش فراوان دارد و نیز باعث آرامش می‌شود و در دفع شرّ و بلا و رهایی از گرفتاری‌ها و درمان بودن از شرّ شیاطین، جن، انس، دیوانگی، امراض، چشم‌زخم، نظر بد، حسد، کینه و... اثربخش است، ترکیب، کنایه از قرائت سوره یاسین و توسل جستن به آن و در نتیجه، رسیدن به آرامش روحی و روانی و رهایی یافتن از بلا و مشکلات و گرفتاری‌هاست. (ن.ک: یاسین)

آن زمان که دیو می‌شد راه زن آن زمان بایستت یاسین خواندن  
(مولوی، ۱۳۷۲: ج ۶، ب ۵۴۰)

گویند بخوان یاسین تا عشق شود تسکین جانی که به لب آمد چه سود ز یاسینی  
(مولوی، ۱۳۶۳: ۹۶۹)

۲-۲-۱۳- **یاسین و الانعام خواندن:** خواندن سوره‌های یاسین و الانعام، در دفع بلا و رهایی از گرفتاری‌ها و درمان بودن از شر شیاطین، اثربخش است. کنایه از رفع بلا و گرفتاری است. (ن.ک: یاسین)

چون بخورد آن گندم اندر فح بماند چند او یاسین و الانعام خواند  
(مولوی، ۱۳۷۲: ج ۶، ب ۵۳۳)

### ۳- نتیجه گیری

با بررسی دامنه کاربرد دینی، هنری و ادب حروف مقطعه قرآنی در پهنه ادب پارسی، نتایج زیر به دست آمد:

۱- با توجه به اهمیت کلامی، اعتقادی، بیانی و بلاغی این حروف مقطعه، برخی از این حروف مقطعه و آیات مربوط به این سوره، با جلوه‌های هنری اقتباس، درج و تلمیح و... در بیان مصادیق و تأکیدات دینی و مذهبی شعرا و نویسندگان، بیشتر مورد عنایت بوده‌اند.

۲- توجه و پرداختن به فضایل دینی، مذهبی و ارزش‌های اعتقادی این سوره، یکی از مهم‌ترین کاربردهای دینی و مذهبی حروف مقطعه و سوره مربوط به آن، در ادب پارسی به‌شمار می‌رود.

۳- مفاهیم، محتوا، حکایات، آموزه‌های دینی و مذهبی این سوره، به‌عنوان سوره مورد توجه بیشتر مفسران دینی و مذهبی، در اکثر آثار شعرا و نویسندگان، در بیان و القای تعالیم و آموزه‌های دینی و مذهبی، جایگاه خاصی دارد.

۴- اکثر شعرا و نویسندگان، با عنایت به شکل، حالت و ویژگی حروف الفبای پارسی و با تکیه بر ارزش‌هایی دینی و اجتماعی، و شکل و حالت حروف مقطعه قرآنی، دست به مضمون آفرینی‌های بکری زده‌اند و با خلق ترکیبات، تعابیر و تصاویر نغز، از این علائم ظاهری حروف، به نحو مطلوب، بهره برده‌اند و با افزودن چاشنی ایهام، جناس و دیگر آرایه‌های ظریف ادبی، به تصاویر، مضامین، تعابیر و ترکیبات برساخته از حروف رمزآلود مقطعه قرآنی و حروف الفبای پارسی، زیبایی ادبی و هنری آن را، بیشتر جلوه داده‌اند.

۵- از میان حروف مقطعه قرآنی، یاسین، بیشتر از دیگر حروف، مورد توجه بوده‌است و مولوی و سنایی از جمله شعرائی هستند که بیش از دیگران، از یاسین در مضامین، تعابیر و ترکیبات دینی و ادبی بهره جسته‌اند. حروف مقطعه طاهّا و نون از دیگر حروف مورد توجه شعرا و نویسندگان، بعد از یاسین است. در این میان، خاقانی، عطار، سنایی، جامی و شاه نعمت‌الله ولی، به ترتیب، بیشتر به این حروف توجه داشته‌اند. حروف مقطعه حامیم و الف لام میم از دیگر حروفی است که بعد از حروف ذکرشده بالا، مورد توجه شاعران و

نویسندگان ادب پارسی قرار گرفته است. مولوی و جامی به حامیم، بیشتر از دیگران پرداخته اند و نسیمی و مؤلف قابوسنامه نیز، به الف لام میم، بیشتر از دیگران توجه داشته اند. ق، بعد از حروف مقطعه بالا، در ردیف پرکاربردترین حروف مقطعه، به حساب می آید و عطار، بیش از دیگران، بدان توجه داشته است. حروف مقطعه دیگری چون صاد، طاسین، طاسین میم، الف لام را کافها یا عین صاد، علاوه بر اینکه کمتر در ادبیات پارسی، بازتاب داشته اند و تعداد آن از انگشتان دست هم فراتر نمی رود، به ترتیب، بیشترین کاربرد را در ادب پارسی داشته اند.

۶- در کل، در بین شعرا و نویسندگانی که در این خصوص، مورد بررسی قرار گرفتند، مولوی، عطار، خاقانی، جامی، سنایی، نسیمی، شاه نعمت الله ولی، ناصر خسرو و... به ترتیب، از جمله شاعرانی هستند که از حروف مقطعه، با تکیه بر ارزش های دینی و مذهبی، در خلق مضامین و تعابیر ادبی و دینی، بهره فراوان برده اند.

### یادداشت ها

۱. علت تعدد تفاسیر مورد استناد در ارائه مطالب ذیل، برای جلوگیری از تشتت و آشفتگی ارجاعات پی در پی، از آوردن نام تک تک تفاسیر، در این بخش، خودداری و به ذکر نام تفاسیر مورد ارجاع، در منابع آخر مقاله، بسنده کرده ایم.

۱-۱۲. مطالب این بندها، از تفاسیر متعدد برگرفته شده است که در فهرست منابع، به نام همه آنها اشاره کرده ایم.

## فهرست منابع

## - کتاب‌ها

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- امیر خسرو دهلوی، محمود. (۱۳۴۳). **دیوان امیر خسرو دهلوی**. تصحیح سعید نفیسی. تهران: جاویدان.
- ۳- انوری، اوحدالدین. (۱۳۷۲). **دیوان انوری**. به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی (دو جلد). چاپ چهارم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۴- اوحدی مراغه‌ای، رکن‌الدین. (۱۳۷۵). **دیوان اوحدی مراغه‌ای**. به کوشش سعید نفیسی. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- ۵- اعتصامی، پروین. (۱۳۷۱). **دیوان پروین اعتصامی**. به کوشش بدرالدین یغمایی. تهران: آرمان.
- ۶- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن. (۱۳۸۲). **اعجاز بیانی قرآن**. ترجمه حسین صاعدی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۷- بهار، محمدتقی. (۱۳۶۸). **دیوان ملک‌الشعراى بهار**. به کوشش مهرداد بهار. چاپ پنجم. تهران: توس.
- ۸- جامی، عبدالرحمن. (۱۳۴۱). **دیوان کامل جامی**. تصحیح هاشم رضی. تهران: پیروز.
- ۹- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۸). **مثنوی هفت‌اورنگ**. تصحیح مرتضی مدرس گیلانی. چاپ پنجم. تهران: سعدی.
- ۱۰- حافظ شیرازی، شمس‌الدین. (۱۳۶۲). **دیوان حافظ**. به تصحیح پرویز ناتل خانلری. چاپ دوم. تهران: خوارزمی.
- ۱۱- حسین بن منصور حلاج، (۱۳۶۹). **دیوان منصور حلاج**. چاپ پنجم. تهران: سنایی.
- ۱۲- خاقانی شروانی، افضل‌الدین. (۱۳۷۳). **دیوان خاقانی**. تصحیح ضیاء‌الدین سجادی. چاپ چهارم. تهران: زوار.
- ۱۳- خواجه‌ی کرمانی، کمال‌الدین. (۱۳۷۴). **دیوان کامل خواجه‌ی کرمانی**. به کوشش سعید قانع. تهران: بهزاد.

- ۱۴- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). **لغتنامه**. زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی. تهران: مؤسسه لغت-نامه دهخدا و دانشگاه تهران.
- ۱۵- رامپوری، شرف الدین. (۱۳۶۳). **فرهنگ غیاث اللغات**. به کوشش منصور ثروت. تهران: امیر کبیر.
- ۱۶- زمخشری، محمد بن عمر. (۱۳۸۹). **الكشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل**. ترجمه مسعود انصاری. تهران: ققنوس.
- ۱۷- سعدی، مشرف الدین. (۱۳۶۳). **کلیات سعدی**. به اهتمام محمد علی فروغی. تهران: محمد.
- ۱۸- سنایی، مجدود بن آدم. (۱۳۷۴). **حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه**. تصحیح محمد تقی مدرس رضوی. چاپ چهارم. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۹- \_\_\_\_\_ . (۱۳۶۲). **دیوان حکیم سنایی**. به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی. چاپ سوم. تهران: کتابخانه سنایی.
- ۲۰- سیوطی، جلال الدین. (۱۳۶۳). **الاتقان فی علوم القرآن** (دو جلد). به تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم. تهران: امیر کبیر.
- ۲۱- شاه نعمت الله ولی کرمانی. (۱۳۷۴). **دیوان شاه نعمت الله ولی کرمانی**. با مقدمه سعید نفیسی. چاپ اول. تهران: نشر نخستین.
- ۲۲- شیخ بهایی، محمد بن حسین. (۱۳۷۴). **متن کامل کشکول شیخ بهایی**. به کوشش بهمن رازانی. چاپ دوازدهم. تهران: زرین.
- ۲۳- صائب، میرزا محمد علی. (۱۳۶۸). **دیوان صائب تبریزی** (شش جلد). به کوشش محمد قهرمان. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۲۴- طباطبایی، محمد حسن. (۱۳۷۴). **المیزان فی تفسیر القرآن** (۲۰ جلد). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۵- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصر خسرو.
- ۲۶- عراقی، فخر الدین. (۱۳۷۳). **دیوان فخر الدین عراقی**. به اهتمام سعید نفیسی. چاپ هفتم. تهران: جاویدان.
- ۲۷- عطار، فرید الدین. (۱۳۸۹). **الهی نامه**. به کوشش حمیدرضا مجد آبادی. تهران: نشر پروان.
- ۲۸- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۱). **جوهر الذات** (دو جلد). تهران: اشراقیه.

- ۲۹- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۶). **دیوان عطار نیشابوری**. به اهتمام و تصحیح تقی تفضلی. چاپ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳۰- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳). **مصیبت‌نامه**. به تصحیح نورانی وصال. چاپ چهارم. تهران: زوار.
- ۳۱- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۵). **مظهر العجایب**. تصحیح احمد خوشنویس. تهران: سنایی.
- ۳۲- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۰). **منطق الطیر**. تصحیح صادق گوهرین. چاپ هفتم. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳۳- عنصرالمعالی، کیکاووس بن وشمگیر. (۱۳۷۵). **قابوسنامه**. به تصحیح غلامحسین یوسفی. چاپ هشتم. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳۴- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). **تفسیر نور** (دوازده جلد). چاپ یازدهم. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۳۵- قُرطبی، محمدبن احمد. (۱۳۶۴). **الجامع الاحکام القرآن** (بیست جلد). تهران: ناصر خسرو.
- ۳۶- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۸۱). **تفسیر نمونه** (۲۸ جلد). چاپ ۴۲. تهران: دارالکتب اسلامیة.
- ۳۷- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۷۸). **فیه مافیه**. تصحیح حسین حیدرخانی. چاپ دوم. تهران: سنایی.
- ۳۸- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۳). **کلیات شمس تبریزی**. تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر. چاپ دوازدهم. تهران: امیرکبیر.
- ۳۹- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲). **مثنوی معنوی**. تصحیح رینولد نیکلسون. چاپ دوم. تهران: مولی.
- ۴۰- ناصرخسرو قبادیانی، ابومعین. (۱۳۷۳). **دیوان ناصرخسرو قبادیانی**. به اهتمام سیدحسن تقی‌زاده. تهران: نگاه.
- ۴۱- نسیمی، عمادالدین. (۱۳۷۲). **دیوان نسیمی**. به کوشش یدالله جلالی پندری. تهران: نی.
- ۴۲- نورمحمدی، محمدحسین. (۱۳۸۲). **فضایل قرآن**. چاپ سوم. قم: جامعه القرآن الکریم.
- مقاله
- ۱- لطفی، سیدمهدی. (۱۳۹۱). «حوزه معنایی حروف مقطعه در قرآن کریم». **فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث**، شماره ۱، ۱۱۳-۱۳۳.